مصطفی هاشمی طبا:

عموم مردم به شعارهای پوپولیستی رأی می‌دهند

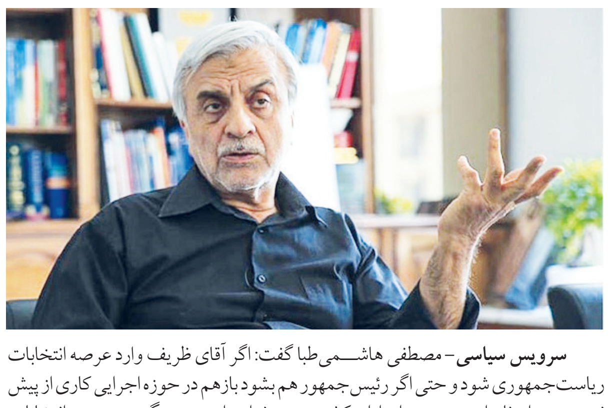

سرویس سیاسی– مصطفی هاشمی طبا گفت: اگر آقای ظریف وارد عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری شود و حتی اگر رئیس جمهور هم بشود بازهم در حوزه اجرایی کاری از پیش نمی‌برد زیرا برنامه‌ای منسجم برای اداره کشور وجود ندارد؛ از سوی دیگر پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری برای او چندان آسان هم نخواهد بود زیرا فقط نخبگان و روشنفکران به او اقبال نشان می‌دهند و معمولا مردم عادی به شعارهای بی‌برنامه و پوپولیستی رأی می‌دهند.

شرایط این روزهای اصلاح‌طلبان چندان مناسب نیست زیرا از یک سو دولت تحت حمایت‌شان با انواع انتقادها روبه‌روست و از سوی دیگر در میان خودشان نیز وحدت نظری بر چگونگی مواجهه جریان اصلاحات با انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ وجود ندارد. برخی از آنها باور دارند که اصلاح‌طلبیان برای بازسازی سرمایه اجتماعی خود باید به جامعه بازگردند و قدری از عالم سیاسی دور بمانند و برخی دیگر مانند اعضای حزب کارگزاران سازندگی می‌گویند که قطع فعالیت سیاسی یعنی حذف همشیگی از قدرت. به‌هرحال همه این اختلاف‌نظرها در حالی است که مدت اندکی تا انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده باقی است و در این مدت، اصلاح‌طلبان باید سیاست انتخاباتی خود را تعیین کنند زیرا در غیر این صورت بعید است نتیجه‌ای متفاوت از انتخابات مجلس برای آنها ایجاد شود.

مصطفی هاشمی طبا باور دارد که سخن بازگشت اصلاح‌طلبان به جامعه و دوری از سیاست ناشی از راحت‌طلبی برخی اصلاح‌طلبان است. او درباره شرایط کنونی جریان اصلاحات گفت: «اینکه برخی اصلاح‌طلبان سخن از بازگشت به جامعه می‌زنند، می‌تواند دو نتیجه داشته باشد یا آنکه کلا از عالم سیاست کناره بگیرند و هیچ کنش سیاسی نداشته باشند یا آنکه بخواهند به طور کامل اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی شوند. حالت نخست که ناشی از یک راحت‌طلبی و بی‌عملی است و حالت دوم هم که در قاموس جریان اصلاحات نمی‌گنجد. من باور دارم اصلاح‌طلبی هیچ پایانی ندارد و اگر فردی بر خود نام اصلاح‌طلب می‌زند باید همیشه کار کند و سعی کند در شرایط مختلف کارآمدترین راه‌حل را انتخاب کند».

او درباره اختلاف‌نظرهایی که اصلاح‌طلبان در چگونگی شرکت در انتخابات با یکدیگر داشتند، اظهار کرد: «وقتی کسی وارد انتخابات می‌شود، تصور می‌کند که می‌تواند خود را در معرض رقابت و رأی مردم قرار دهد اما وقتی ناگهان شورای نگهبان بسیاری از نامزدها را ردصلاحیت می‌کند این پرسش برای اصلاح‌طلبان ایجاد می‌شود که چه ضرورتی برای شرکت در انتخابات وجود داشت؟ بنابراین فارغ از آنکه موافق یا مخالف حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات باشیم، اما باید بپذیریم که درگرفتن چنین بحث‌هایی طبیعی بود. اصلاح‌طلبان با همین بحث‌ها در تمام این سال‌ها توانسته‌اند به بهترین نتایج نایل شوند. از انتخابات سال ۷۶ و روی کار آمدن آقای خاتمی گرفته تا اجماع بر سر حمایت از آقای روحانی که توانست اصلاح‌طلبان از یک بن‌بست سیاسی برهاند. عالم سیاست، عالم نفع و ضرر است و هر تصمیمی معایب و محاسنی دارد که باید سنجید که کدام تصمیم حسنش از عیبش بیشتر است».

این فعال سیاسی در پاسخ به این پرسش که اصلاح‌طلبان چه‌کار می‌توانند بکنند که اعتماد عمومی به کنشگری سیاسی و شرکت در انتخابات بازسازی شود، گفت: «هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان در لفافه سخن می‌گویند و هیچ‌کدام هیچ برنامه‌ای برای اداره کشور ندارند؛ حتی همین مجلسی که به زودی تشکیل می‌شود هم بی‌برنامه است. همه سخنان پوپولیستی مطرح می‌کنند و فقط شعار می‌دهند و هنگامی که پشت آن شعارها هیچ برنامه‌ای وجود ندارد، طبیعی است که اجرا نمی‌شود و در نهایت مردم از همه سیاسی‌ها دلسرد می‌شوند و تصور می‌کنند که شرکت یا عدم شرکت در انتخابات فرقی ندارد. راه‌حل بازسازی اعتماد عمومی این است که اگر اصلاح‌طلبان برنامه‌ای دارند، آن را در قالب یک مانیفست منسجم منتشر کنند و بر اساس آن با مردم صادقانه سخن بگویند و مطرح کنند که در زمینه‌های مختلف چه برنامه‌هایی دارند. ممکن است طرح چنین سخنانی گزنده باشد اما در نهایت مردم می‌گویند که اصلاح‌طلبان صادق و واقع‌بین هستند».

هاشمی طبا در پایان در خصوص احتمال سرمایه‌گذاری اصلاح‌طلبان بر محمدجواد ظریف در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ مطرح کرد: «آقای ظریف یک‌بار گفت که بعد از پایان کارش در وزارت خارجه به دانشگاه می‌رود و از آنجایی که او سعی می‌کند زیر حرف‌هایش نزند، شاید نپذیرد که در انتخابات حاضر شود اما اگر هم وارد عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری شود و حتی اگر رئیس جمهور هم بشود بازهم در حوزه اجرایی کاری از پیش نمی‌برد زیرا برنامه‌ای منسجم برای اداره کشور وجود ندارد؛ از سوی دیگر پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری برای او چندان آسان هم نخواهد بود زیرا فقط نخبگان و روشنفکران به او اقبال نشان می‌دهند و معمولا مردم عادی به شعارهای بی‌برنامه و پوپولیستی رأی می‌دهند».

آذر منصوری:

جریان‌های سیاسی بدون سرمایه اجتماعی حذف می‌شوند

■ در صورت تداوم حیات این بیماری توجه به مجموعه‌ای از سیاست گذاری‌ها که بتواند موجب انسجام و وحدت ملی در کشور شود، ضروری است.

سرویس سیاسی– آذر منصوری، فعال سیاسی، سال‌های دور اصلاح‌طلبی و قائم‌مقام فعلی دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران اسلامی است. به باور او اگر جریانات سیاسی فرصت‌ها و تهدیدات فعلی در جهان کرونایی را جدی نگیرند، در فضای پساکرونا احتمال حذف‌شدن دارند. آذر منصوری در گفت‌وگویی توضیح داد که جریان‌های سیاسی اگر توجه لازم را بر تأثیر بحران کرونا بر متغیرهای داخلی و خارجی مانند انتخابات ۱۴۰۰ و تحریم‌های بین‌المللی نداشته باشند، در نوع سیاست‌ورزی و رویکردهای‌شان درباره تحولات ایران دچار خطا خواهند شد و قاعدتا این نوع خطا ممکن است آنها را از صحنه سیاسی ایران هم به‌نوعی حذف کند.

به‌باور این فعال‌سیاسی درچنین شرایطی هر جریان سیاسی که بتواند تحلیل درست و واقع‌بینانه‌ای از دوران کرونا و پساکرونا داشته باشد و سرمایه اجتماعی خودش را تقویت کند، می‌تواند در آینده سیاسی ایران هم نقش تأثیرگذاری داشته باشد. به اعتقاد منصوری در صورت تداوم حیات این بیماری، توجه به مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها که بتواند موجب انسجام و وحدت ملی در کشور شود، ضروری است. متن گفت‌وگوی آذر منصوری را بخوانید:

به نظر شما بحران کرونا در کشور ما سطوح سیاست‌گذاری را چگونه تغییر داده است؟

بحران کرونا به دلیل ویژگی‌های متعدد و متفاوتی که دارد؛ نه‌تنها زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است؛ بلکه توان دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را در مقابله یا مهار و مدیریت این بیماری مورد آزمون قرار داده است. به‌همین‌دلیل همه سطوح سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این تأثیرگذاری محدود به نهاد و نظام سلامت نیست که با توجه به نوع این بحران‌ها باید خود را به‌روزرسانی کند؛ بلکه مجموعه رویکردها چه در سیاست داخلی و چه خارجی باید بر مبنای تهدیدهای چنین بحران‌هایی، اصلاحات لازم را برای تداوم حیات خود جریان‌سازی کنند. آنچه انجام این اصلاحات را ضروری‌تر می‌کند، ویژگی خاص کووید ۱۹ است. کرونا تبدیل به درد مشترکی شده است که درمان مشترک می‌خواهد. همین مسئله فرصتی را پیش‌روی کشورها قرار می‌دهد تا به سیاست‌هایی بیندیشند که کانون توجه این سیاست‌گذاری‌ها نجات جامعه بشری از بحران فعلی و بحران‌های پیش‌رو باشد. به‌عنوان مثال در سیاست داخلی باید بر برنامه‌هایی تمرکز کرد که ضمن اینکه هدف اصلی‌اش کاهش آلام مردم و تقویت سرمایه ملی باشد، به تقویت مؤلفه‌های همبستگی ملت‌ها بینجامد. طبعا در کنار مجموعه اقدامات کوتاه‌مدت نهاد سلامت باید مجموعه اقدامات و برنامه‌های بلندمدت با این رویکرد باشد. همین رویکرد می‌تواند در سیاست خارجی هم تعمیم داده شود. تعامل با کشورهای منطقه و جامعه جهانی با هدف تقویت منافع ملی کشورها نیز به نظرم بعد از کرونا و در حین بحران از جمله اصلاحاتی است که باید برای مهار این نوع بحران‌ها مدنظر قرار گیرد. در غیراین‌صورت همه جهان متحمل خسارت‌های جبران‌ناپذیر خواهد شد. دلیل اصلی آن هم خصلت این ویروس است؛ چون شکست یا موفقیت یک کشور در مقابله با این ویروس شکست یا موفقیت همه کشورها محسوب می‌شود.

به باور بسیاری جهان بعد کرونا، از جهان قبل آن متفاوت خواهد بود. آیا این ایده را تأیید می‌کنید؟

به طور قطع جهان قبل از کرونا با جهان بعد از کرونا تفاوت‌های بسیار جدی خواهد داشت. نوع تعاملات و ارتباط بین جوامع مختلف تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت. دلیلش هم همان‌طور که در سؤال اول گفتم، ویژگی و خصوصیات خاص آن و نوع همه‌گیری و سرایت این ویروس است. اینکه مجموعه کشورها در تلاش هستند تا سریع‌تر به درمان مؤثری برای پیشگیری از این بیماری دست پیدا کنند، به نظرم می‌تواند نقطه شروع این تغییرات باشد. تمرکز سازمان بهداشت جهانی برای کاهش میزان اثرگذاری ویروس یا تمرکز بر اقدامات پیشگیرانه و آمادگی کشورها و تعامل و ارتباط بین کشورها و امدادرسانی کشورها به هم به نظرم ناشی از همین خصوصیت ویروس است.

پس معتقدید در ایران هم شرایط پس از کرونا، موقعیتی جدید و متفاوت خواهد بود؟ درست است؟

بله، همین طور است. طبیعتا ایران پساکرونا هم همچنان که در بحران کرونا مشاهده کردیم، با توجه به زمان حیات این ویروس، [illegible] گرفت. طبیعتا تداوم حیات این ویروس بر اقتصاد کشور اثرات جدی به‌جا خواهد گذاشت و همین مسئله ضرورت توجه به مؤلفه‌هایی را که می‌تواند موجب تقویت و همبستگی و اتحاد ملی بشود، بیشتر می‌کند. تحت این شرایط انتظار و پیش‌بینی محتمل این است که شاهد تغییر مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها و رفتارها در ایران پساکرونا باشیم. در صورت تداوم حیات این بیماری توجه به مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها که بتواند موجب انسجام و وحدت ملی در کشور شود، ضروری است.

چه سیاست‌گذاری‌هایی؟

مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌ها که بتواند رویکردها را به‌سمت واقعیت‌های جامعه امروز ایران و جهان پیرامونی ایران اصلاح کند و توجه به مطالبات دیگر شهروندان را در کنار تأمین رفاه اجتماعی و حداقل‌هایی را که وظیفه دولت‌هاست، در اولویت قرار دهد.

به‌این‌ترتیب باور دارید که سیاست پساکرونا هم در ایران چهره‌ای متفاوت خواهد داشت؟

قاعدتا نوع بحران و ویژگی‌هایی که این کشور دارد تأثیرش را بر همه تحولات ازجمله تحولات سیاسی ایران هم برجای خواهد گذاشت. قاعدتا تأثیرگذاری ویروس کرونا و بحران کرونا بر اقتصاد و سفره خانوار ایران قابل تأمل خواهد بود. مسئله تحریم‌های تحمیل‌شده به ایران یا انتخاباتی که در پیش‌رو داریم، همگی متغیرهایی هستند که تحت‌تأثیر بحران کرونا قرار خواهند گرفت. به اعتقاد من این مسئله مهم است و همه جریان‌های سیاسی اگر توجه لازم را بر تأثیر بحران کرونا روی این متغیرها نداشته باشند، در نوع سیاست‌ورزی و رویکردهایشان نسبت به تحولات ایران دچار خطا خواهند شد و قاعدتا این نوع خطا ممکن است آنها را از صحنه سیاسی ایران هم به‌نوعی حذف کند؛ به همین دلیل به نظرم توجه به بحران کرونا و تأثیرات آن بر نوع تعاملات و به‌ویژه اقتصاد ایران، اثر خودش را در فضای سیاسی ایران و اساسا سیاست در دوران پساکرونا به‌جای خواهد گذاشت. بدون توجه به این تغییرات و متغیرهای مهم اثرگذار قاعدتا هم پیش‌بینی‌ها غیرواقع‌بینانه خواهد بود و هم رفتارها، آن‌گونه نخواهد بود که بتواند شاخص‌هایی مثل اعتماد عمومی و انسجام ملی را تقویت کند. در آینده پساکرونا باید توجه شود که تأثیرات این بحران‌ها بر سیاست خارجی و داخلی ایران چه خواهد بود و براساس این تحلیل کرد؛ به‌نوعی سیاست‌ورزی واقع‌بینانه در ایران امروز دست پیدا کرد و به راهبردهای مؤثر برای حل مناقشات داخلی و خارجی رسید.

جریانات سیاسی در این میان باید چه کنند؟

در چنین شرایطی هر جریان سیاسی که بتواند تحلیل درست و واقع‌بینانه‌ای از دوران کرونا و پساکرونا داشته باشد و سرمایه اجتماعی خودش را تقویت کند می‌تواند در آینده سیاسی ایران هم نقش اثرگذاری داشته باشد، اما بدون توجه به مجموعه این متغیرها و مسائلی که گفتم، قاعدتا بحران کرونا و فضای پساکرونا چه‌بسا موجب حذف جریان‌های سیاسی در فضای سیاسی کشور شود.

از منظر جامعه چطور؟ آیا ایرانی متفاوت با ایران قبل از بهمن ۹۸ را شاهد خواهیم بود؟

به نظرم در همین مدت تقریبا سه ماه که به‌طور رسمی وجود کرونا در ایران اعلام‌شده، این ویروس تأثیر خودش را در جامعه ایران به‌جا گذاشته است. تفاوت این بحران با بحران‌های دیگر این است که این ویروس موجب جداسازی و ایزوله‌شدن افراد جامعه از یکدیگر شد. به نظرم این نکته، نکته درستی است. تعطیلی همه مکان‌هایی که می‌توانست این تعاملات و ارتباطات را بیشتر کند و اعمال قرنطینه، در خانه ماندن و مجموعه‌ای از پروتکل‌های بهداشتی که باید برای مقابله و مهار این ویروس رعایت شود، باعث شده این ویروس شرایط جدید را به جامعه تحمیل کند. در چنین شرایطی وقتی حیات ویروس و نوع این بیماری باعث ایزوله افراد جامعه از یکدیگر می‌شود، طبیعتا این احتمال را ایجاد می‌کند که در آینده به‌نوعی با آفت فردگرایی و توجه افراد جامعه نسبت به حفظ جان خود و خانواده‌شان در اولویت قرار بگیرد. طبیعتا این مسئله می‌تواند بر مجموعه‌ای از رفتارهای جمعی جامعه اثرگذار باشد. مسئله قابل توجه تطبیق جوامع، حتی جامعه ایران با تطبیق رو به افزایش جامعه با این ویروس است، به‌طوری که استفاده از فضای مجازی برای پیگیری گفت‌وگوها و جلسات بیشتر شده است. همین ویروس جامعه ما را به این فکر فرو برد که چگونه و چه راه‌هایی می‌تواند این تعاملات را حفظ کند. استفاده از ظرفیت‌های مجازی برای برگزاری جلسات که نمونه مشخصش هم در طول این مدت جلسات هرروزه دولت بوده است که در سطح استان تهران و چه در کل کشور از این فرصت شبکه‌های مجازی و ظرفیت‌های آنلاین استفاده کرده برای اینکه بتواند پیگیری‌های خاص خود را داشته باشد. همین موضوع تعمیم داده می‌شود به مناسبت‌هایی مثل مناسبت ماه رمضان که شاهد هستیم از فضای اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی بهتر استفاده می‌شود که صدای گروه‌های مرجع به جامعه بیشتر برسد. قطعا حرکت در این مسیر می‌تواند خطر ایزوله‌شدن افراد جامعه از هم را برطرف کند که به‌طورقطع زمان‌بر خواهد بود. اما با درنظر گرفتن همه اینها هیچ فضای آنلاینی نمی‌تواند جایگزین فضای واقعی و گفت‌وگوهای رودررو و تعاملات انسانی شود. تعامل در فضای مجازی نمی‌تواند جایگزین تعامل در فضای حقیقی شود. مجموعه این ظرفیت‌ها نمی‌تواند جایگزین نوع ارتباطات انسانی شود که لازمه نشاط، پویایی و حیات جامعه بشری است. سوی دیگر ماجرا این است که به دلیل تأثیرات شگرف کرونا بر اقتصاد ایران در فضای پساکرونا و در طول بحران کرونا که انتخابات مهم ریاست‌جمهوری را در ۱۴۰۰ در پیش رو داریم هر گروه و جریانی که بتواند قدرت بسیج‌کنندگی جامعه و همراهی جامعه را با خود داشته باشد، با توجه به مجموعه‌ای از مشکلات ایران که عرض کردم، می‌تواند جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و قاعدتا پیروز انتخابات شود. البته این مسئله به نوع نگاه مجموعه تهدیدهایی که شکاف‌ها متوجه منافع ملی ما کرده بازمی‌گردد. قاعدتا این تغییر رویکردها و اصلاح سیاست‌گذاری‌ها که باید بتواند به تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب کمک کند، اگر اعمال شود می‌توان گفت در ایران پساکرونا شاهد تحولات مثبتی به نفع ایران و منافع ملی کشور خواهیم بود.

همان‌طور که خودتان می‌دانید درباره آماری که درباره این بیماری در کشور ما ارائه می‌شود و حتی زمان شروع آن اما و اگرهایی هست. از طرفی تا پیش از کرونا شاهد افت اعتماد عمومی بوده‌ایم. آیا این روند اعتماد عمومی را بیش از پیش شاهد رشد آن خواهیم بود؟

قبلا هم در یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها مکرر گفته‌ام در شرایطی که جامعه با بحران اعتماد عمومی مواجه است، گذر از یک بحران مثل بحران کرونا برای این جامعه به‌مراتب سخت‌تر خواهد بود. چه‌بسا در زمانی که اولین بیمار مبتلا به کرونا در کشور شناسایی‌شده بود و این مسئله موردتوجه قرار می‌گرفت، به‌مراتب شاهد خسارت‌های کمتری بودیم یا اعمال قرنطینه‌های بهنگام و به‌موقع که می‌توانست سطح پیک بیماری را برای‌ما پایین‌تر بیاورد و طبیعتا مرگ‌ومیر ناشی از بیماری را کمتر کند. این موارد قاعدتا این واقعیت را پیش‌روی ما به تصویر می‌کشد که ما و بسیاری دیگر از کشورها از بحران کرونا عقب‌ماندیم و آنچه باعث‌شد مدیریت بحران کرونا در ایران سرپا بماند و با خسارت‌های به‌مراتب کمتری همراه‌شود، چند دلیل داشت. نخستین آنها شبکه‌های مجازی بودند که به دولت و ستاد ملی مبارزه با کرونا کمک کردند؛ چه برای استفاده از اپلیکیشن‌هایی مثل ماسک که توانسته به جامعه برای شناختن مناطق قرمز، سفید و زرد کمک کند که خودش به‌نوعی یک وجه مهم پیشگیری از بیماری محسوب می‌شود و چه اطلاع‌رسانی‌هایی که به‌واسطه ویژگی‌های این بیماری در شبکه‌های مجازی شکل گرفت و باعث شد همان‌طورکه وزیر بهداشت و بسیاری از مسئولان گفتند، اکثریت مردم ایران توجه لازم را به این پروتکل‌ها داشته باشند و نکات بهداشتی را رعایت کنند. اما قاعدتا ارائه آمار درست و واقعی و اعمال حساسیت‌های لازم و پیشگیرانه در زمانی که این بحران وارد کشور ما شد و در طول این بحران نه‌تنها می‌توانست به تقویت اعتماد عمومی کمک کند بلکه می‌توانست با حذر داشتن جامعه و رعایت پروتکل‌های بهداشتی و به‌نوعی واقعی جلوه‌دادن خطر این بیماری و کشنده‌بودنش، از سطح آسیب‌ها و تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بر اقتصاد و معیشت بکاهد. درواقع بیان واقعیت‌ها در کنار کم‌کردن خسارت‌های ناشی از این بیماری و همراهی مردم می‌توانست کمک کند که اعتماد عمومی هم تقویت شود. مجموعه نظرسنجی‌هایی که دیده‌ام، حاکی از این است که عموم جامعه به آمارهای منتشره اعتماد ندارند و آن را واقعی نمی‌دانند. صرف‌نظر از اینکه من در جایگاهی باشم که قضاوت کنم آمارها واقعی است یا نه، قاعدتا اعمال مجموعه‌ای از رفتارها در بحران کرونا می‌توانست و می‌تواند کمک کند برای اینکه اعتماد از دست‌رفته و شکافی که بین مردم ایجاد شده ترمیم شود.

در سیاست پس از کرونا شیوه‌ها و چینش‌ها چطور خواهد بود؟ بسیاری از کارشناسان معتقدند شاهد رشد نوعی دیکتاتوری در سراسر جهان خواهیم بود.

اساسا قضاوت درباره اینکه کدام نظام‌های سیاسی در مهار یا مدیریت این بحران موفق‌تر عمل کرده‌اند، به نظرم زودهنگام است. در دوران پساکرونا باید بر اساس آمادگی دولت‌ها برای ارائه اخبار و آمار دقیق و درست، چه میزان مبتلایان، چه کسانی که بهبود پیدا کرده‌اند و چه افرادی که فوت کرده‌اند، قضاوت کرد کدام نظام سیاسی و دولت در مدیریت و مهار این بحران توانسته موفق‌تر عمل کند. بر اساس همین مقدمه به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم بگوییم چین در مهار این ویروس موفق عمل کرده یا ایتالیا و اسپانیا ناموفق عمل کرده‌اند. به‌دلیل اینکه دولت چین بعد از اینکه اعلام کرد توانسته این ویروس را شکست دهد، اعلام کرده رقمی بالغ‌بر هزار نفر بر فوتی‌های قبلی و رقمی هم بر مبتلایان قبلی اضافه شده است؛ چون آن زمان امکان شناسایی همه افرادی را که بر اثر کرونا فوت کرده‌اند، نداشته‌اند. بنابراین قاعدتا فارغ از اینکه سیستم‌های غیردموکراتیک و ادعای این کشورها در مهار و بحران ویروس کرونا چه بوده و چه هست، یا ادعای کشورهایی که از نظام‌های دموکراتیک‌تری برخوردار هستند یا کشورهایی که از سیستم دموکراسی حداکثری برخوردار هستند؛ قاعدتا باید بین نسبت مبتلایان واقعی و مقایسه نسبت بین مبتلایان واقعی، بهبودیافتگان و فوت‌شدگان به‌عنوان یک شاخص برای موفقیت یا شکست دولت‌ها در مواجهه با این ویروس قضاوت کرد.

مثلا چه متغیرهایی؟ چون اصولا معتقدند نوعی استبداد در رأی باعث بهتر مهارشدن این ویروس در کشورها بوده‌است.

نمی‌توان این‌طور قضاوت کرد. متغیرهای مختلفی را می‌توان مطرح کرد، اما درمجموع در کنار رتبه و جایگاه نهاد سلامت کشورها و توانایی درمانی و بهداشتی کشورها برای پوشش‌دادن همه بیماران و کاهش مرگ‌ومیر، مجموعه کشورهایی که از انسجام عمومی بیشتری برخوردار بودند، اعتماد عمومی در این کشورها برجسته‌تر بود و تأثیر آن بر همراهی مردم هم بیشتر بوده‌است. بنابراین به نظر می‌رسد در عبور از این بحران و مهار مدیریت بحران هم کشورهایی که از این مؤلفه مهم برخوردار بودند بتوانند موفق‌تر عمل کنند و از این بحران عبور کنند. البته به نظرم هنوز برای این قضاوت زود است.

با توجه به ساختار اجتماعی و سیاسی ایران، برای امروز که کشور با بحران کرونا روبه‌روست، چه مدل مدیریتی مؤثرتر است؟ به باور شما این مدل در دوران پساکرونا چه تغییراتی باید بکند؟

قاعدتا اعمال هر نوع مدیریتی که بتواند سلامت و حفظ جان مردم را در اولویت قرار دهد می‌تواند الگوی مطلوب‌تری برای مدیریت این بحران باشد. چه‌بسا توجه به اقدامات پیشگیرانه به مدیریت دولت کمک کند برای اینکه در مدت‌زمان کوتاه‌تری بتواند این بحران را مهار کند و در این صورت است که تأثیر آن بر اقتصاد هم کمتر خواهد بود. الان مجادله‌ای وجود دارد که اعمال قرنطینه‌های سخت‌گیرانه یا جدی‌تر گرفتن پروتکل‌های بهداشتی، در درازمدت می‌تواند بر اقتصاد و کسب‌وکار و معیشت مردم اثرگذار باشد.

فرصت‌های زیادی را برای اعمال قرنطینه‌های سخت‌گیرانه در موج اول اپیدمی و شیب اول بیماری داشتیم که از دست دادیم و به نظرم الان با توجه به مشکلات اقتصادی‌ای که داریم، به نظر می‌رسد اعمال این نوع قرنطینه‌های سخت‌گیرانه با توجه به دوره طولانی این بیماری غیرممکن است. در چنین شرایطی مدیریتی مؤثرتر و کارآمدتر است که در کنار توجه به اقدامات پیشگیرانه بتواند با مجموعه‌ای از اقدامات، همراهی و مشارکت مردم را در مهار و شکست این ویروس جلب کند. این دیگر محدود به بیماری کرونا یا ملاحظاتی که در مورد این بیماری است نمی‌شود؛ مثلا مجموعه‌ای از اقدامات را که خرجی هم به لحاظ اقتصادی برای کشور ندارد و به GDP ارتباط پیدا نمی‌کند هم باید در نظر داشت. در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مجموعه این رفتارها می‌تواند موجب همراهی و جلب اعتماد مردم شود که به نظرم بهترین گزینه در سیاست داخلی است و در سیاست خارجی هم با توجه به مجموعه‌ای از فرصت‌ها که نوع تعامل ایران با کشورهای منطقه و جهان می‌تواند پیش‌روی ایران قرار دهد را هم باید مدنظر قرار داد، چراکه اصلاح این رویکرد می‌تواند در راستای خدمت به منافع ملی و تقویت منافع ملی کشور باشد.

این تعامل چگونه باید باشد؟

نوع تعامل ما نباید با این تلقی باشد که به برد ما و باخت طرف مقابل ختم شود. این تعامل اگر مبتنی بر رویکرد برد–برد در نوع مواجهه ایران با کشورهای منطقه و جهان شود، به اعتقاد من، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت می‌تواند منجر به تقویت امنیت ملی و منافع ملی کشورمان باشد. چرا نباید حتی از تجربه کشوری مثل چین در استفاده از فرصت‌های جهانی برای رشد اقتصادمان استفاده کنیم؟ تجربه‌ای که از سال ۱۹۸۰ با تغییر سیاست درهای بسته به سیاست درهای باز، باعث شد از مجموعه‌ای از فرصت‌های تکنولوژی و نوآوری‌ها و توانایی جوامع مختلف استفاده شود و امروز اقتصاد و GDP چین را به‌عنوان یکی از کشورهای مطرح در مقابل آمریکا قرار دهد و به چین قدرت روباروی اقتصادی با آمریکا برابری کند.

محمدرضا خباز فعال سیاسی اصلاح طلب:

بدون مانیفست صحبت از هر شخصیتی بکنیم او را سوزانده‌ایم

سرویس سیاسی– فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: اصلاح طلبان در این شرایط باید تغییر رویه بدهند، اگر بر مبنای روش‌ها گذشته وارد انتخابات ۱۴۰۰ شوند، مطئمنا نتیجه ای بهتر از انتخابات مجلس یازدهم برای شان رقم نخواهد خورد.

اصلاح طلبان پرونده انتخابات مجلس را بستند و حالا دچار اختلاف شدند، برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نامزد معرفی کنند یا خیر. گروهی از چهره های این جریان معتقدند که باید دوره ای از سیاست ورزی کنار کشید و به بدنه اجتماعی نزدیک شد، جمعی نیز بر این باور هستند که نباید میدان را به رقیب داد و کنار کشید.

گروه دوم از هم اکنون روی گزینه های مستعد مشغول بحث و تبادل نظر هستند. برخی گزینه حمایت از محمدجواد ظریف را پیشنهاد می دهند و برخی دیگر محسن هاشمی را مناسب برای ورود به صحنه انتخابات ریاست جمهوری می دانند. اما محمدرضا خباز عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی نظر دیگری دارد او معتقد است قبل از اتخاذ هر تصمیمی و انتخاب هر گزینه ای باید مانیفست اصلاحات تدوین شود وگرنه اصلاح طلبان با دست خود نیروهای شان را جلوی توپخانه رقیب قرار می داند و می سوزانند.

مشروح گفتگوی محمدرضا خباز را در ادامه بخوانید.

محمدرضا خباز درباره انتخاب اصلاح طلبان میان محمدجواد ظریف و محسن هاشمی رفسنجانی برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ گفت: صحبت درباره انتخاب کدام شخصیت و چهره، اینکه شناخته شده باشد یا نباشد و یک مرتبه مطرح شود، خیلی اهمیت ندارد. نخست باید جریان اصلاحات یک تصمیم مهم و راهبردی بگیرد.

وی افزود: حمایت های بی دریغ اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶، باعث شد عده ای همه کاسه و کوزه‌های را سر اصلاح طلبان می شکنند. همه ناکامی ها را به پای اصلاح طلبان می نویسند و کامیابی‌ها را به اسم خود و جریان خودشان می‌گذارند بنابراین نوعی بی رغبتی داخل جامعه به وجود آمده است و نمونه اش را در انتخابات مجلس شاهد بودیم که مردم در کل کشور ۴۲ درصد مشارکت کردند.

عضو شورای حزب اعتماد ملی با بیان اینکه ۵۸ درصد مردم امیدی به اصلاح امور از کانال قوه مقننه ندارند، یادآور شد: اصلاح طلبان در این شرایط باید تغییر رویه بدهند، اگر بر مبنای روش‌ها گذشته وارد انتخابات ۱۴۰۰ شوند، مطئمنا نتیجه ای بهتر از انتخابات مجلس یازدهم برای شان رقم نخواهد خورد.

وی ادامه داد: تا فرصت از دست نرفته، اصلاح طلبان بعد از ماه رمضان و رفع ممنوعیت اجتماعات به محوریت رئیس دولت اصلاحات تشکیل دهند و مانیفست خود را تدوین کنند تا یک پوست اندازی اساسی در این جریان سیاسی اتفاق بیفتد. یعنی تجربه گذشته را داشته باشند اما روش گذشته را کنار بگذارند.

فعال سیاسی اصلاح طلب درباره حمایت حزب کارگزاران سازندگی از جراحی پرخونریزی در جریان اصلاحات اظهار کرد: حالا من از واژه «پوست اندازی» استفاده کردم و آنها تعبیر به «جراحی» داشتند، حالا فرقی نمی کند. با روش گذشته به انتخابات ریاست جمهوری ورود کنیم پاسخ نمی گیریم ولی تجربیات گذشته ارزشمند بود آنها را باید روی میز قرار داد و درباره شان بحث کرد.

افزود: بعد از ماه مبارک رمضان که شرایط کرونا برطرف و اجتماعات آزاد شود؛ اصلاح طلبان شخصیت های موثرتر هر استان را به جلسه ای در تهران با محوریت آقای خاتمی رئیس دولت اصلاحات دعوت کنند و در آنجا به فکر تنظیم یک مانیفست باشند. تا ما مانیفست نداشته باشیم خودمان نمی دانیم چه داریم می گوییم، چه برسد به مردم.

خباز تأکید کرد: وقتی اصلاح طلبان مانیفست ارائه بدهند مردم متوجه می شوند اگر این بار رأی بدهند، رأی شان چه خواهد کرد. معتقدم حرف های بی اساس هم نزنند، به قول آقای ناطق، کلیات ابوالبقا هم نگویند چون امکانات کشور بسیار محدود است. باید براساس همین امکانات، در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، سیاست داخلی و سیاست خارجی طرح های عملیاتی ارائه دهند.

وی ادامه داد: پس اصلاح طلبان اول باید ظرف را آماده کنند و بعد دنبال مظروف بروند. یعنی ببینند لباسی که دوختند بر تن چه کسی مناسب خواهد بود. آن وقت روی افراد و گزینه های احتمالی بحث کنند. الان نام هر شخصیتی مطرح شود هیچ اقبال اجتماعی برای او به وجود نخواهد آمد.

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی اظهار کرد: وقتی گزینه انتخاب شد او باید متعهد به اجرای این مانیفست باشد نه آنکه وقتی رأی آورد مثل بعضی ها بگوید «مدیون هیچ گروه و حزبی نیستم». معتقدم اگر همه اصلاح طلبان با یک برنامه مشخص و مدون وارد صحنه رقابت شوند، نامزد آنها خواهد توانست نظر مردم را به خود جلب کند.

خباز درباره انتخاب بین ظریف و محسن هاشمی گفت: الان طرح این مسئله را درست نمی دانم چون اسم یک فردی را می بریم و بدون اینکه بدانیم آیا او خود آمادگی و تمایل حضور در صحنه انتخابات ریاست جمهوری را دارد یا خیر، او را جلو توپخانه رقیب قرار می دهیم، در واقع با دست خودمان به چهره های خودمان چوب حراج می زنیم و آنها را می سوزانیم که این کار اساسا درست نیست.

فراکسیون نمایندگان جنوب کشور اعلام موجودیت کرد

سرویس سیاسی– منتخب مردم کرمان در مجلس یازدهم با اعلام موجودیت فراکسیون نمایندگان جنوب کشور، گفت: هدف از تشکیل این فراکسیون محرومیت‌زدایی از این مناطق با همدلی، وفاق و همراهی دولتمردان است.

«محمد مهدی زاهدی» درباره تشکیل فراکسیون نمایندگان جنوب کشور گفت: نمایندگان منتخب استان‌های جنوبی کشور– متشکل از ۸ استان با ۸۳ نماینده– با توجه به محرومیت‌هایی که در جنوب کشور وجود دارد تصمیم گرفتند که با همدلی و وفاق و همراهی دولتمردان برای محرومیت زدایی از این مناطق تلاش کنند.

منتخب مردم کرمان در مجلس یازدهم افزود: امیدواریم بتوانیم با برنامه‌ریزی برای رفع محرومیت در این استان‌ها تلاش کنیم. توافق های کلی میان نمایندگان منتخب استان‌های جنوبی کشور صورت گرفته، اما هنوز کارگروه‌های آن مشخص نشده است و در آینده انجام خواهد شد.

زاهدی، تمرکز بر حل مسائل اساسی و راهبردی کشور با پرهیز از موضوعات حاشیه‌ای را از [illegible]

ربیعی سخنگوی دولت:

رفع موانع تولید و اشتغال را با همکاری مجلس دنبال می کنیم

سرویس سیاسی– سخنگوی دولت گفت: رفع موانع قانونی و حقوقی تولید و اشتغال و بهبود فضای کسب وکار را با همکاری مجلس شورای اسلامی و به صورت صمیمانه و جدی دنبال می کنیم.

علی ربیعی سخنگوی دولت درباره نحوه همکاری دولت و مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: یکی از موضوعاتی که باید به صورت صمیمانه و جدی با مجلس شورای اسلامی همکاری مشترک داشته باشیم رفع موانع قانونی و حقوقی تولید و افزایش امنیت سرمایه گذاری است. وی با اشاره بر ضرورت همکاری مشترک و تعامل دولت و مجلس در بهبود فضای کار در سال «جهش تولید» و در شرایط تحریم گفت: در شرایط تداوم تحریم‌ها و عبور جهش وار از فشار اقتصادی ناشی از کرونا، برای بودجه سالیانه و همچنین قوانین خاص، نیاز داریم که برخی تصمیمات را به صورت مشترک با مجلس بگیریم. همان طور که برای ایجاد تغییرات در بودجه سال ۹۹ نیازمند همکاری با مجلس دهم بودیم، برای این گونه کارها نیازمند همراهی مجلس آینده نیز هستیم تا بتوانیم با یک بودجه متعادل، تملک دارایی های دولت و طرح‌های عمرانی را نیز پیگیری کنیم. ربیعی به اقدامات هماهنگ همه ارکان کشور در مقابله با کرونا نیز اشاره کرد و گفت: برنامه‌ریزی برای افزایش اشتغال و جهش تولید یکی از کارهایی مهمی است که دولت باید به گونه‌ای انجام دهد که کشور در پسا کرونا و درازمدت در این حوزه آسیب زیادی نخورد.

انصاری معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر خارجه:

معاملات در اینستکس، برای ایران قانع کننده نیست

سرویس سیاسی– معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر خارجه گفت: معاملات تجاری از طریق اینستکس در حال حاضر برای ایران قانع کننده نیست.

غلامرضا انصاری در پاسخ به این سوال که از طریق اینستکس از یک شرکت آلمانی محصولات دارویی خریداری و در فروردین امسال وارد بازار کشور شد و بانک مرکزی در حال رایزنی برای معامله‌ای جدید است، گفت: این ساز و کار (اینستکس) اگرچه برای ما قانع کننده نیست، اما فعالیت‌های محدودی را قبل از عید با آن شروع کرده‌ایم.

وی با بیان اینکه بانک مرکزی نیز علاقمند است اینستکس فعال شود، افزود: بر این اساس امیدواریم بعد از مواردی که آن کالاها وارد ایران شد، در آینده نیز بتوانیم از این ساز و کار برای خریدهای خودمان از اروپا استفاده کنیم. معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر امور خارجه درباره اینکه اروپائی‌ها آیا همکاری‌های لازم را در این باره دارند، گفت: هرچند طرف‌های اروپایی همکاری دارند، اما نوع و تعداد کالاها محدود است و امیدواریم در آینده این مجموعه خودش در بخش تمام کالاها، امکان تجارت میان دو کشور را فراهم کند.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹